## خون بهای پدر بهانه قتل مادر

اخبـــار

**گروه حـوادث/** زن جوان روستایی به‌خاطر اختلافات خانوادگی مادر پیرش را به قتل رساند.

رئیس پلیس آگاهی بیجار روز دوشنبه در تشریح این خبر به ایرنا گفت: ساعت ۱۰ صبح دیروز مرکز فوریت‌های اورژانس ۱۱۵ فوت مشکوک یک پیرزن ۸۱ ساله را در حسن آباد بیجار به پلیس گزارش کرد و مأموران با حضور در محل و مشاهده برخی آثار ضرب و جرح روی بدن این زن با احتمال وقوع قتل تحقیقات خود را در خصوص علت مرگ آغاز کردند.

سروان محسن گل زردی اضافه کرد: در بررسی‌های اولیه مشخص شد دختر خانواده از سال‌های قبل با مادرش دچار اختلاف و مشکل بوده است به‌همین خاطر وی فراخوانده شد که در ابتدا سعی داشت با داستان سرایی تحقیقات پلیس را منحرف کند. اما در ادامه به قتل مادرش اعتراف کرد و گفت: سال‌ها پیش پدرم را در حادثه‌ای از دست دادم و به‌دنبال آن خون بهایی (دیه) به خانواده ما تعلق گرفت که مادرم بدون اطلاع من همه پول را به‌حساب برادرم که در تهران ساکن است، واریز کرد.

بارها از مادرم خواستم مبلغی از این پول دیه را برای گذراندن زندگی و آینده‌ام به من بدهد اما او از این کار امتناع می‌کرد که امروز درگیری ما به‌همین دلیل بالا گرفت و سرش را به دیوار کوبیدم و وقتی مطمئن شدم جان باخته است او را از بالای پله‌ها پرت کردم. سپس صحنه را از خون‌های ریخته شده پاک و لباس‌های مادر را تعویض کرده و پس از آن به اورژانس اطلاع دادم و وانمود کردم از پله سقوط کرده است.

سروان گل زردی تأکید کرد: پس از تحقیقات تکمیلی قاتل بودن این فرد برای پلیس به اثبات رسید و دختر جوان با حکم مقام قضایی تحویل زندان سنندج شد و پرونده برای صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری فرستاده شد.

## تصادف خونین بر اثر پاره شدن سیم بکسل

**گروه حوادث/** پاره شدن سیم بکسل یک خودروی بنز که در حال انتقال جرثقیل در جاده بافق - بهاباد بود حادثه مرگباری را رقم زد.

سرهنگ حسن یزدانی جانشین انتظامی بافق گفت: یک دستگاه خودرو بنز خاور که در حال بکسل کردن یک جرثقیل بود به علت پاره شدن سیم بکسل، جرثقیل از مسیر منحرف و وارد مسیر مخالف شده و با یک پراید برخورد کرد.

این مقام انتظامی ادامه داد: در این حادثه پس از برخورد جرثقیل با پراید، راننده و ۳ سرنشین پراید مجروح و یکی دیگر ازسرنشینان پراید فوت کرد.

با اعلام این گزارش مأموران پلیس راه برای بررسی صحنه به محل اعزام شدند و مشخص شد که علت اصلی سانحه پارگی سیم بکسل خودرو بنز خاور بوده است و راننده بنز خاور هم پس‌از این اتفاق از صحنه متواری شده است.

## مرگ یک خانواده زیر چرخ‌های اتوبوس

**گروه حوادث/** برخورد یک دستگاه اتوبوس مسافربری با یک دستگاه پراید منجر به مرگ ۴ عضو یک خانواده شد.

وحید شادی‌نیا سخنگوی اورژانس استان آذربایجان شرقی گفت: این سانحه ظهر روز دوشنبه ۱۴ بهمن، در محور مرند - خوی بعد از پاسگاه قرخلار به طرف خوی رخ داد و منجر به مرگ ۴ عضو یک خانواده شامل دو پسر و پدر و مادر شد. تحقیقات برای بررسی علت این سانحه ادامه دارد.

## جنایت با طعم هرویین

**گروه حوادث/** جوان کرجی که پس از مصرف هرویین یکی از دوستانش را به قتل رسانده بود، توسط پلیس آگاهی البرز دستگیر شد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، پس از کشف جسد جوانی ناشناس در اطراف جاده ماهدشت کرج، شناسایی مقتول و قاتل در دستور کار اداره جرایم جنایی پلیس آگاهی البرز قرار گرفت و مأموران موفق شدند هویت مقتول را که جوانی ۱۸ ساله به نام رضا بود شناسایی کنند. در مرحله بعد مأموران با دعوت از خانواده مقتول تحقیقات‌شان را ادامه دادند تا اینکه متوجه شدند مقتول چند وقتی است که با یکی از دوستانش به نام کاظم در یک منزل مجردی زندگی می‌کردند که پس از این جنایت کاظم هم ناپدید شده است. بنابراین کارآگاهان با این فرضیه که قتل از سوی پسر جوان رخ داده است وی را به‌عنوان اصلی‌ترین سرنخ پرونده تحت تعقیب قرار دادند.

سرهنگ محمد نادربیگی، رئیس پلیس آگاهی البرز درباره دستگیری مقتول گفت: مأموران با تلاش‌های شبانه روزی در نهایت موفق شدند کاظم را در تهران دستگیر کنند.

او پس از دستگیری با توجه به مستندات موجود به قتل اعتراف کرد و گفت: آن شب من و رضا مقدار زیادی ماده مخدر هرویین مصرف کردیم و از حالت عادی خارج شدیم رضا با توهمی که در سرش داشت من را با چاقو تهدید به مرگ کرد و همین مسأله باعث شد تا درگیری میان ما بالا گرفت و من هم پس از گرفتن چاقو چند ضربه به سینه و گردنش زدم و پس از قتل هم جسدش را در اطراف ماهدشت کرج رها کردم.

با اظهارات کاظم و اعتراف صریح او به قتل پرونده این متهم تحویل مراجع قضایی شد.

## واژگونی اتوبوس با ۴ کشته

**گروه حوادث/** خستگی و خواب آلودگی راننده اتوبوس اردبیل - تهران منجر به‌واژگونی آن و مرگ ۴ مسافر شد.

ساعت ۴ و ۳۰ دقیقه صبح روز دوشنبه یک دستگاه اتوبوس که از اردبیل عازم تهران بود در اتوبان زنجان ـ قزوین حدفاصل هیدج و غزال واژگون شد.

مجتبی خالدی سخنگوی سازمان اورژانس کشور گفت: پس از اعلام این گزارش به اورژانس ۱۱۵، بلافاصله ۱۲ دستگاه آمبولانس به محل اعزام شدند که ۴ مسافر جان باخته بودند و ۲۵ مسافر هم مصدوم شدند که یکی از آنها در محل درمان و بقیه به بیمارستان منتقل شدند.

خستگی و خواب آلودگی عامل واژگونی این اتوبوس عنوان شده است.

# اعدام قاتلان مهندس جوان در زندان

مقتول

**گروه حـوادث/** عاملان قتل هولناک پسر جوان که قربانی سرقت خودرواش شده بود پس از ۵ سال سحرگاه یکشنبه در زندان رجایی شهر به دار مجازات آویخته شدند.

به گزارش خبرنگار «ایران»، صبح روز یکشنبه این دو پسر جنایتکار که در سال ۹۳ در جریان سرقت خودروی اسپورتیج جوانی به‌نام بهنام او را به قتل رسانده و جسدش را سوزانده بودند به سالن اعدام زندان رجایی شهر منتقل شده و دقایقی بعد مادر مقتول حکم قصاص را با دستان خودش اجرا کرد.

خواهر بهنام در این باره به خبرنگار «ایران» گفت: امروز بعد از ۵ سال و ۳ماه اولین روزی است که لبخند را روی لبان مادرم دیدم. صبح که از خواب بیدار شد گفت بار سنگینی که بعد از مرگ بهنام روی دوشم مانده بود بالاخره برداشته شد. احساس می‌کنم روح پسرم در آرامش است.

وی ادامه داد: با آنکه قاتلان به این جنایت اعتراف کرده بودند و محل رها کردن جسد برادرم را به پلیس نشان داده بودند اما هرگز جسد برادرم پیدا نشد و فقط در محل مورد نظر که بیابان‌های اطراف گرمسار بود سوئیچ خودروی پژو ۲۰۶ برادرم را پیدا کردند که سوخته بود.خواهر بهنام درباره روز حادثه گفت: بهنام تنها پسر خانواده بود. او مهندس ناظر ساختمان بود و به پدرم نیز در کارهای خرید و فروش خودرو کمک می‌کرد. برای فروش یک خودروی اسپورتیج به قیمت ۱۴۰ میلیون تومان در روزنامه آگهی داده بودند. روز دوشنبه ۲۸ مهر سال ۹۳ پسر جوانی تماس گرفت و قرار گذاشتند تا خودرو را ببیند بعد از توافق‌های اولیه او و دوستش ۲۰۰ هزار تومان دادند و قرار شد صبح روز بعد برای سند زدن به دفترخانه بروند. ساعت ۸ و نیم صبح سه‌شنبه آن دو پسر که نیما و سجاد نام داشتند به‌دنبال برادرم آمدند و سوار خودرو به طرف دفترخانه رفتند. حدود ۱۰ دقیقه بعد پدرم با بهنام تماس گرفت که او با صدایی ضعیف و بی‌حال گفت در بزرگراه یادگار امام هستند. بعد تلفن قطع شد وقتی پدرم دوباره با تلفنش تماس گرفت یکی از پسرها گوشی را برداشت و به پدرم گفت دیگر پسرتان را نمی‌بینید.

بعد از قطع تماس به پلیس تلفن کردیم و خبر دادیم. با شروع تحقیقات و چهره نگاری متهمان ۱۰ روز بعد خودرو را در کنار خیابانی حوالی پیروزی پیدا کردند و دو روز بعد هم یکی از پسرها به‌نام سجاد دستگیر شد و همان شب هم نیما را دستگیر کردند. آنها به قتل برادرم اعتراف کردند و گفتند با خوراندن آبمیوه سمی او را بی‌هوش کرده‌اند و بعد هم بهنام را به پارکینگ خانه سجاد برده و خفه کرده‌اند. سپس جسدش را بسته‌بندی کرده و به بیابان‌های اطراف گرمسار برده و با ریختن بنزین سوزانده‌اند.

دختر جوان در ادامه گفت: با آنکه تحقیقات گسترده‌ای در محل انجام شد اما هرگز جسد برادرم پیدا نشد. وقتی متهمان در شعبه دهم دادگاه کیفری محاکمه شدند، انگیزه خود را از این جنایت سرقت خودرو اعلام کردند.

پدر و مادرم برای هر دو متهم تقاضای قصاص کردند و سرانجام پدرم با پرداخت ۲۷۰ میلیون تومان دیه مقدمات اجرای حکم قصاص را فراهم کرد و سحرگاه یکشنبه هر دو متهم اعدام شدند و پرونده برادرم بعد از بیش از ۵ سال بسته شد.

# قتل پرستار خانگی به خاطر پول

**گـروه حـوادث- مرجان همایونـی/** مرد مکانیک که پرستار سابق پسرش را به‌قتل رسانده بود، انگیزه خود را از این جنایت اختلاف مالی عنوان کرد. ۲۵ دی مرد میانسالی به اداره پلیس رفت و ناپدید شدن دختر ۳۸ ساله‌اش را گزارش کرد. وی شکایت خود را این چنین مطرح کرد: دخترم، فریبا پرستار خانگی بود روز گذشته برای گرفتن پولی که از صاحبکار سابقش طلب داشت از خانه خارج شد و دیگر برنگشت. او مدتی قبل با صاحبکارش درگیر شده بود و این مرد که امیر نام داشت او را کتک زده بود. فریبا هم شکایت کرد و دادگاه این مرد را به پرداخت ۲۰ میلیون تومان دیه محکوم کرد. روز ۲۴ دی دخترم برای گرفتن قسط دوم دیه‌اش به سراغ امیر رفت و دیگر خبری از او نیست.

■ **کشف جسد**

با شکایت مرد میانسال تحقیقات پلیسی آغاز شد. در نخستین گام کارآگاهان به سراغ امیر معروف به امیر مکانیک رفتند. اما مرد ۴۶ ساله مدعی شد که فریبا روز حادثه با او تماس گرفته و قرار بوده که برای گرفتن پولش نزد او برود اما بعد از آن تماس دیگر از او خبری ندارد.بررسی‌ها برای یافتن فریبا ادامه داشت تا اینکه چند روز بعد مأموران گشت پلیس در جاده آدران با جسد سوخته دختر جوانی مواجه شدند. جسد بشدت سوخته بود وهویت آن ناشناس بود و تنها چیزی که باقی مانده بود گردنبند طلای دختر جوان بود.

متخصصان پزشکی قانونی اعلام کردند که جسد متعلق به دختری ۳۰ تا ۴۰ ساله است که قبل از به آتش کشیدن جسد، به قتل رسیده است. باتوجه به رد لاستیک‌ها و آثار سوختگی باقیمانده این احتمال مطرح شد که قتل در محل دیگری رخ داده و عامل جنایت پس از انتقال جسد به آنجا، او را به آتش کشیده است.

بدین ترتیب در ادامه تحقیقات مشخص شد جسد متعلق به فریبا بوده و خانواده‌اش با مشاهده گردنبند طلا او را شناسایی کردند.

■ **دستگیری قاتل**

از آنجایی که فریبا قرار بود به دیدن امیر برود این احتمال مطرح شد که مرد جوان در ماجرای قتل فریبا نقش دارد.

در ادامه بررسی‌ها، کارآگاهان جنایی به تحقیقات میدانی اطراف محل زندگی امیر پرداختند. چند نفر از اهالی محل با دیدن تصویر فریبا اعلام کردند که دختر جوان را روز حادثه در نزدیکی خانه امیر دیده‌اند. با برملا شدن این موضوع، به دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران، امیر روز ۱۳ بهمن بازداشت شد. مرد جوان لحظاتی بعد از بازداشت و در نخستین جلسه تحقیق به قتل فریبا اعتراف و بازپرس ساسان غلامی دستور ادامه تحقیقات از او را صادر کرد.

■ **گفت‌وگو با متهم**

**بافریبا چطور آشنا شدی؟** پرستار بچه‌ام بود. وقتی بچه‌ام ۶ ماهه شد، فهمیدیم که معلول است. همسرم چندی بعد طلاق گرفت و من و بچه‌ام را رها کرد. در این سال‌ها به سختی پسرم را بزرگ کردم و فریبا پرستار بچه‌ام بود. تا اینکه پسرم چند ماه قبل و زمانی که ۱۷ سالش بود فوت کرد. با مرگ بچه ام، فریبا هم از خانه ما رفت. اما دردسرها بعد از این ماجرا تازه شروع شد.

**چه دردسری؟** فریبا مدام به سراغم می‌آمد و می‌گفت باید حق و حقوق این سال‌ها را به او بدهم چند باری به او پول پرداخت کردم اما بی‌فایده بود، آنقدر اذیت کرد تا یک روز که به خانه‌ام آمده بود تا پول بگیرد از شدت عصبانیت او را کتک زدم. از من شکایت کرد و دادگاه مرا به پرداخت ۲۰ میلیون تومان دیه محکوم کرد. یک موتورسیکلت و ۷ میلیون تومان پول نقدی را که داشتم به او دادم. مابقی پول را هم قرار شد ماهی یک میلیون تومان پرداخت کنم. قسط اول را پرداخت کردم، اما زمانی که آمد قسط دوم را بگیرد به

جای یک میلیون تومان ۶۰۰ هزار تومان به او دادم و گفتم به خاطر کارم مجبور شدم وسایل بخرم و ۴۰۰ هزار تومان دیگر را چند روز دیگر پرداخت می‌کنم.

**پس چرا او را کشتی؟** وقتی دید پول کم است شروع به سر و صدا و اعتراض کرد. داخل حیاط خانه‌ای که زندگی می‌کنم مکانیکی‌ام هم هست. عصبانی شدم و سیم بکسلی را که دستم بود دور گردنش انداختم. به خودم که آمدم دیدم نفس نمی‌کشد. ترسیده بودم تنها فکری که به ذهنم رسید این بود که جسد را داخل خودروام بگذارم و به سمت خارج از شهر بروم.

**چرا جسد را آتش زدی؟** آن لحظه آنقدر ناراحت بودم که وقتی جسد را از ماشینم بیرون آوردم شروع به کشیدن سیگار کردم. بعد از اینکه سیگارم تمام شد ناخودآگاه ته سیگار را پرتاب کردم که روی ملحفه روغنی افتاد که جسد فریبا را داخل آن پیچیده بودم. بلافاصله آتش گرفت.

**چگونه دستگیر شدی؟** بعد از این ماجرا، از شدت ناراحتی سه روز داخل ماشین بودم و در خیابان پرسه می‌زدم. بعد به خانه برگشتم که دستگیر شدم.

# برادرزاده بدبین به جرم قتل عمه محاکمه شد

**گروه حوادث/** پسر دانشجو که در اقدامی هولناک با شلیک به عمه و دختر مورد علاقه اش باعث مرگ این زن و مجروح شدن دخترجوان شده بود در جلسه محاکمه با درخواست قصاص پدربزرگ خود روبه‌رو شد.

به‌گزارش خبرنگار «ایران»، این جنایت حدود یک سال قبل در ورامین رخ داد. با اعلام ماجرا به پلیس مشخص شد پسر جوانی مقابل یک آرایشگاه با اسلحه به عمه و دختر عمه‌اش شلیک کرده است که در این حادثه زن جوان کشته شد و خواهرزاده اش به نام مینا که مجروح شده بود را به بیمارستان انتقال دادند. مأموران در بررسی‌ها متوجه شدند مقتول زنی ۳۵ ساله به‌نام لاله است که روز حادثه با خواهرزاده‌اش، مینا، به آرایشگاه رفته بودند. تحقیق از خانواده این دو نفر نشان داد آنها در آرایشگاه کار می‌کردند.

پدر مقتول گفت: دخترم لاله از شوهرش جدا شده بود چون شوهرش اعتیاد داشت و مدام به‌خاطر کارهای خلاف به زندان می‌افتاد. دخترم به‌همین خاطر تصمیم گرفت جدا شود، اما شوهرش فکر می‌کرد دخترم به او خیانت کرده است. لاله با نوه‌ام مینا در آرایشگاه کار می‌کرد و خرج خودشان را درمی‌آوردند، هرچند داماد سابقم، رحیم، در زندان است، اما من فکر می‌کنم او در این قتل نقش داشته، ضمن اینکه نوه پسری‌ام، مهرداد، هم با شوهرعمه سابقش در ارتباط است و من فکر می‌کنم او هم در این قتل نقش داشته است.

وقتی مأموران مهرداد را بازداشت کردند، او به قتل عمه‌اش اعتراف کرد و گفت: قصد کشتن دخترعمه‌ام را هم داشتم، اما موفق نشدم. این جوان ۲۵ ساله که دانشجوی رشته حقوق بود، به مأموران گفت: من عاشق مینا بودم. او ۲۲ساله بود و به‌خاطر اختلاف سنی کم با خاله اش لاله خیلی دوست بودند و یک جا کار می‌کردند وقتی لاله طلاق گرفت شوهرش رحیم که معتاد بود به من گفت: علت این جدایی فساد اخلاقی عمه‌ات بوده است و او مینا را هم مثل خودش فاسد کرده است.اجازه نده با هم باشند.

آنقدر گفت تا عصبانی شدم و به مینا گفتم دیگر با لاله حرف نزند و بیرون نرود اما او قبول نمی‌کرد عمه بزرگترم - مادر مینا- هم مرا دعوا کرد و گفت اشتباه می‌کنی. تا اینکه یک روز مینا و لاله را تعقیب کردم و مقابل در آرایشگاه با اسلحه شکاری به سمت آنها شلیک کردم. اول لاله را زدم، بعد خواستم مینا را بزنم که اسلحه گیر کرد. متهم ادامه داد: زمان حادثه دوستم، سعید، با من بود، چاقویی را از او گرفتم و با چاقو مینا را هم زدم. رحیم شوهرعمه‌ام گفته بود تو قتل را انجام بده، من گردن می‌گیرم. من هم قبول کردم.

با صدور کیفرخواست هرسه متهم پرونده در شعبه ۵ دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه رفتند. روز گذشته ابتدا پدر مقتول درجایگاه قرار گرفت و برای نوه‌اش درخواست قصاص کرد سپس متهم در جایگاه قرار گرفت او اتهام را قبول کرد و گفت من چون غیرتی شدم نتوانستم جلوی خودم را بگیرم و شوهرعمه‌ام هم من را تحریک می‌کرد. سپس سعید پشت میز قرار گرفت و گفت: من نمی‌دانستم مهرداد می‌خواهد آنها را بکشد. رحیم نیز منکر ادعاهای مهرداد شد و سرانجام با پایان جلسه دادگاه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

# محاکمه عامل قتل عام خانوادگی در باغ مادری

**گـروه حوادث/** مرد جنایتکار که سه عضو یک خانواده را در باغی اطراف ورامین به‌قتل رسانده بود با درخواست قصاص اولیای دم یک قدم به مرگ نزدیک شد.

به‌گزارش خبرنگار «ایران»، حدود ۷ ماه قبل جنایتی هولناک در باغی اطراف تهران رخ داد.

در این حادثه زن و شوهر جوانی به‌همراه دختر ۸ ساله شان به قتل رسیده بودند.

■ **ماجرای قتل**

خرداد امسال زن جوانی نزد پلیس رفت و گفت: من و همسرم دانیال چند سال قبل از هم جدا شدیم. یک دختر به‌نام بیتا داریم که الان ۸ ساله است و با پدرش و نامادری زندگی می‌کند. من هفته‌ای یکبار بیتا را می‌دیدم آخرین بار هم در تعطیلات بود که دخترم را دیدم. البته چون متوجه شدم پدرش دانیال معتاد شده است از دادگاه خواستم حضانت دخترم را به من بدهد و قرار است چند روز دیگر او را بگیرم. اما الان چند روز است هر چه با آنها تماس می گیرم جوابی نمی‌دهند نگران شده‌ام. فکر می‌کنم اتفاقی برای آنها افتاده است.

پس از این شکایت مأموران متوجه شدند آخرین فردی که با دانیال در تماس بوده مهدی دوستش بوده‌است. وقتی مهدی تحت بازجویی قرار گرفت مدعی شد خبری از سرنوشت دوستش ندارد اما پلیس دریافت مهدی به دانیال مواد مخدر می‌فروخته و آخرین بار هم دانیال و اعضای خانواده‌اش را برای پیک نیک به باغ مادرش در اطراف ورامین دعوت کرده بود.

مقتولان

در نهایت مهدی لب به اعتراف گشود و گفت: من دانیال و همسر وفرزندش را به قتل رساندم، دانیال نسبت به من سوء ظن داشت فکر می‌کرد من به همسرش نظر دارم سر این موضوع با هم درگیر شدیم و من ابتدا دانیال را زدم بعد به‌سمت سحر رفتم او فریاد زد و از بیتا خواست فرار کند و خودش را نجات دهد اما بیتا آجر برداشت که من را بزند به‌همین خاطر هم سحر و هم بیتا را به قتل رساندم.

بعد از اعترافات این مرد و کشف اجساد کیفرخواست علیه متهم صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۴ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد.

اولیای‌دم هر سه مقتول پرونده در جایگاه حاضر شده و درخواست صدورحکم قصاص در ملأعام برای متهم کردند.وقتی متهم در جایگاه قرار گرفت اتهام قتل را قبول کرد و گفت: به‌خاطر مصرف مواد مخدر دست به این قتل زدم اصلاً یادم نمی‌آید دقیقاً چه اتفاقی افتاد فقط می‌دانم وقتی رفتم غذا بیاورم و دوباره برگشتم دانیال عصبانی بود و درگیر شدیم. اول دانیال را کشتم و بعد همسرش را. رفتم کمی هروئین کشیدم تا آرام شوم و بعد از آن بود که بیتا را به قتل رساندم.

بعد از اظهارات متهم در پایان جلسه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.